

تلخ و شیرین امنیت ملی



این راستا باید کوشید:

● قدرت اقتصاد کشورمان را احیا کنیم. یک کشور قدرتمند در چشم انداز بلندمدت، نیاز به اقتصادی مقتدر دارد که با اهداف روابط بین الملل نیز همخوانی خواهد داشت.

● زخم‌های آسیب‌پذیر شامل بیکاری، عدم بهره‌وری، تورم و بی‌انضباطی‌های دولت (شامل کسری بودجه و رشد بی‌رویه نقدینگی) را درمان کنیم. ● از اقتصاد اتلاف‌کننده دولتی فاصله بگیریم و به دیگر فرامین رهبر معظم انقلاب در رابطه با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ - توسعه بخش خصوصی و خصوصی سازی - توجه و آن را با اندیشه‌های علمی مناسب به طور مؤثر اجرا کنیم.

● به استان‌ها و اقصی نقاط کشور توجه بیشتری کرده و این هدف دولت نهم را مورد تقدیر قرار دهیم. سالیان گذشته در دولت‌های قبل، ماهنامه «اقتصاد ایران» از بی‌توجهی به استان‌ها خبر داده و خصوصاً نسبت به فقر، بیکاری و بی‌عدالتی در استان‌های مرزی هشدار داده بود. امروز هم کم و بیش وضعیت همچون گذشته است و بسیاری از استان‌ها با مشکلات اقتصادی عدیده‌ای روبه‌رو هستند که جای هشدار جدی دارد. از ترکمن‌های ایرانی در خطه سبز شمال شرقی کشور تا کردهای در غرب و اعراب ایرانی خوزستان در سرزمین تاریخی و قدرتمند ایران، همه مکمل یکدیگرند و همه نیازمند سیاست‌های صمیمانه و مؤثر هستند.

● در این میان، سیاست انرژی را از یاد نبریم. امنیت انرژی باید جایگاه مناسبی را در اقتصاد داخلی و روابط بین الملل ما پیدا کند که متأسفانه فعلاً فاقد آن هستیم. امروز امنیت انرژی در تمامی کشورها جزو لاینفک امنیت ملی و روابط خارجی شده است.

دمکراسی اقتصادی

برای ما پرواضح است که اکثر معضلات اقتصادمان، ناشی از اقتصاد ناکارآمد به شدت دولتی و ضعف در اندیشه و اجرا برای آماده کردن بستری مناسب برای شکوفایی بخش مردمی و خصوصی است. با اجرای فرامین سیاست‌های کلی اصل ۴۴، قطع کسری بودجه و سیاست‌های مؤثر دستیابی به امنیت و دمکراسی اقتصادی و رعایت حقوق اقتصادی مردم که جزو مهمی از اتحاد ملی را در بر می‌گیرد و از آنجا به روابط بین الملل کانالیزه می‌شود، امکان پذیر است. در سیاست داخلی نیز واقعی کردن احزاب و مشارکت مستمر مردم - نه فقط در زمان رأی دادن - استراتژی لازم و پادزهری در مقابل ستم دشمنان است. در این میان، جایگاه رسانه‌های مستقل و مخازن اندیشه غیردولتی را نباید فراموش نمود. در دنیای امروز، فقدان این نهادهای مردمی در تولید فکر و اندیشه به ما ضربه می‌زند. مردم و بخش خصوصی را در جنگ‌های امروز باید مشارکت داد که با اهداف اتحاد ملی و انسجام اسلامی همخوانی دارد.

دام قدرت

برای اندیشه و اجرای هوشمندانه نباید سرمان را مثل کبک زیر برف فرو ببریم. به اعتقاد ما، از یک سال پیش بدین سو در یک دام قدرت (Power Trap) افتاده‌ایم، به طوری که باعث شد تا چهار نوع بیانیه و قطعنامه ناحق برای اولین بار در تاریخ، توسط شورای امنیت سازمان ملل (از فروردین ۸۴ تا فروردین ۸۵) بر علیه کشورمان صادر شود. قبل از آن، دام قدرت با تبلیغات وسیع رسانه‌های بین‌المللی و مخازن اندیشه (شامل Chatham House انگلستان و Rand آمریکا) که در مورد قدرت منطقه‌ای ما به شدت مبالغه کردند و دوست و دشمن را هراساندند، پهن شده بود. ما هم که تشنه قدرت بودیم، این تبلیغات را به جان خریدیم، غافل از آن که این هیاهوی قدرت، هدفمند است. حال بیرون آمدن از این دام نیز اندیشه هوشمندانه و اجرای مؤثر می‌خواهد و نباید آن را آخر زمان دانست و به عملیات رادیکال و انتحاری دست زد. امروز، سیاست تهاجمی که دولت نهم در پیش گرفته - و تاحدی هم با موفقیت همراه بوده است - نیاز به کامل شدن با تاکتیک‌های مؤثر دارد.

سامان دادن خانه خویش

از سوی دیگر، امروزه کاملاً آشکار است که امنیت ملی و پیشبرد اهداف ملی در جهان، به شدت با عوامل و اهداف داخلی عجین می‌باشد. اگر کاشانه خودمان مرتب و منظم نباشد و با معیارهای منطقی و جهانی - با توجه به ارزش‌های اسلامی و ایرانی - همخوانی نداشته باشد، به اهداف بین‌المللی خود دست نخواهیم یافت. کشورهای قدرتمند هم همیشه بهانه پیدا خواهند کرد تا در رسانه‌ها و مجامع بین‌المللی ما را محکوم کنند. در

بیکاری در استان‌های مرزی منتخب

کشور/استان	نرخ بیکاری	نرخ بیکاری ۱۵ تا ۲۴ ساله
کل کشور	۱۷/۵	۲۳/۲
ایلام	۱۵/۱	۳۳/۸
بوشهر	۱۲/۷	۲۷/۲
خوزستان	۱۳/۲	۲۶/۴
کرمانشاه	۱۲/۵	۳۰/۴

فرمایشات و تفکرات هوشمندانه مقام معظم رهبری و نامگذاری سال ۸۶ تحت عنوان اتحاد ملی، انسجام اسلامی به درستی، حیاتی‌ترین دستور کار کشور در سال‌های اخیر می‌باشد که نیاز مبرم به اندیشه و اجرا دارد. در این اندیشه کلان، آشکار است که اتحاد ملی و انسجام اسلامی با یکدیگر آمیخته بوده و هر دو حوزه داخلی و روابط بین الملل را پوشش می‌دهند. به عبارت دیگر، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، مجموعه امنیت ملی (National Security) کشور را در بُعد داخلی و خارجی آن در برمی‌گیرند.

طبیعتاً تاکتیک‌های پیاده نمودن انسجام اسلامی فراگیر نه تنها باید با منافع ملی کشورمان بلکه باید با امنیت ملی هر یک از بازیگران صحنه روابط بین الملل - خصوصاً همسایگان مسلمانان - توافق داشته باشند و به امنیت آنان تخطی نکنند. تنها با رعایت این واقعیت، این شعار می‌تواند محقق شود؛ همان طور که سیاستی تحت عنوان «صدور انقلاب» که در سال‌های اول انقلاب به عنوان یک استراتژی انتخاب شده بود، موفق نشد، چراکه تهدیدی برای امنیت ملی منطقه تفسیر شد و مردم و حاکمان منطقه را هراساند. ولی برعکس، شعار انسجام اسلامی، ثبات آور بوده و با امنیت ملی کشورهای مسلمان تضاد نداشته و می‌تواند - با راهکارهای مناسب - مورد استقبال قرار گیرد؛ خصوصاً در وضعیتی که بی‌ثباتی در همه عراق و افغانستان، جهان را تهدید می‌کند.

از میان راهکارهای مؤثر، می‌توان با بستن پیمان‌های دو جانبه و چند جانبه، حاکمیت و امنیت متقابل و عدم تجاوز را در دستور کار منطقه قرار داد. ضمناً لازم است به دولت نهم یادآوری شود که اتخاذ خط مشی پوپولیستی در سیاست خارجی، تنها تا حدی مؤثر است. درست است که این روزها دکتر احمدی‌نژاد در خیابان‌ها و کوچه بازارهای کشورهای عربی و اسلامی محبوبیت پیدا کرده‌اند، ولی به صورتی مؤثر و مکفی، این فقط عرضه و تقاضا برای پوپولیسم نیست که انسجام اسلامی و یکپارچگی را برآیدمان به ارمغان می‌آورد، بلکه باید آن را با عدم تعرض به حاکمیت هر یک از کشورهایی که مردم مسلمان را در خود جای می‌دهند، همراه نمود. رأی ۱۵ به صفر اخیر اعضای شورای امنیت علیه کشورمان، شاهدهی بر این تحلیل است.

پرواضح است که هر گونه تهدید ساختار سیاسی کشورهای همسایه و منطقه، آن کشورها را به ما بدبین کرده، ما را از انسجام اسلامی دور نموده و حتی به صورت بالقوه، تهدیدی برای ساختار سیاسی خودمان به حساب می‌آید. این تضاد برای کل منطقه، بی‌ثباتی به ارمغان آورده و تحقق هدف انسجام اسلامی را ناممکن می‌سازد.

لذا انسجام اسلامی مقام رهبری را باید با تاکتیک‌های هوشمندانه و با شناخت و احترام متقابل، با روش‌های واقع‌گرایانه، به امنیت ملی کشورها مرتبط نمود.